جنگ روز عاشورا ، امام حسین (ع)وحضرت ابوالفضل (ع)،نقاشی قهوه خانه ای،اثرزنده یاد استاد حسن اسماعیل زاده (چلیپا)

فصلنامه تحلیلی- پژوهشی

ویژگی های شمایل حضرت ابوالفضل العباس (ع) در آثار قهوه خانه ای

خشایار قاضی زاده *

چکیده

واقعه عاشورا به عنوان عظیم ترین حماسه تاریخ اسلام و شیعه، همواره الهام بخش هنرمندان مسلمان در طول دوره های مختلف تاریخ بوده است. توجه به قهرمانان این حماسه و رشادتهای یکایک ایشان در عرصه هنرهای مختلف چون شعر، موسیقی، تعزیه و نقاشی تجلی کرده است. یکی از تابناکترین چهره های این واقعه حضرت ابوالفضل العباس (ع) برادر کوچکتر حضرت سیدالشهداء (ع) است که هم به دلیل جوانمردی و فداکاری و هم رشادت و شهامت و وفاداری خویش مراد و مقصود بسیاری از هنرمندان، از جمله نگارگران و نقاشان بوده اند.

ایشان علاوه بر داشتن فضایل اخلاقی به دلیل داشتن چهره ای زیبا و قامتی رشید، الهام بخش شمایل نگاران بوده اند، خصوصاً چون در مرتبه امامت قرار ندارند، هنرمندان ممانعت کمتری در ترسیم شمایل ایشان احساس نموده اند. از اینرو در شمایل نگاری مذهبی و از جمله مهمترین شاخه های آن نقاشی قهوه خانه ای، جلوه های مختلفی از ایشان ترسیم شده است و هنرمندان با توجه به صفات و صورت ایشان به گونه ای از طراحی و شمایل نگاری دست یافته اند که بنیاد شمایل نگاری اسلامی را به مفهوم امروزین پی می نهد. این شیوه شمایل نگاری با وجود تاثیر و تاثر از عوامل مختلف توانسته است ویژگی های خاص خود را بیابد و به طریقی منحصر به فرد جایگاه خویش را در تاریخ نقاشی مذهبی ایران و جهان تثبیت نماید.

واژگان کلیدی

شمایل نگاری، نقاشی قهوه خانه ای، حضرت ابوالفضل العباس(ع)، طراحی، رنگ آمیزی

این مقاله وابسته به طرح تحقیق «شمایل معصومین در آثار تجسمی ایران» دانشکده هنر شاهد است.

* هیئت علمی دانشکده هنر شاهد

ویژگی های شمایل حضرت ابوالفضل العباس (ع) در آثار قهوه خانه ای

مقدمه

فرهنگ و تاریخ اسلامی و خصوصاً شیعه همواره با تذکر به حقیقت راه اولیاء دین همراه بوده است. دستورات و آداب و آیینهای دینی نشان دهندهٔ اهمیت این امر است.

نمایش احیای مظلومیت و معصومیت بزرگان دین از طریق برپایی مراسم مختلف چون سوگواری، علاوه بر اینکه عاملی در جهت تطهیر مؤمنان بوده، از سوی دیگر اتحاد با حقیقت راه ایشان را می رسانیده است. در عین حال تاکید بزرگان دین بر احیاء و تدوام راه اولیاء موجب گردید تا جلوه های مختلف هنری در این طریق شکل گیرد. وقایع مختلف تاریخ شیعه و زندگی هر یک از اولیاء همواره الهام بخش هنرمندان گردیده تا با نگاشتن مطالبی پیرامون زندگی ایشان و سرودن اشعاری درباره احوال ایشان و به مرور ایام ایجاد آیینهای بزرگداشت به صورت اعیاد و یا مراسم سوگواری و نیز نمایشهای آیینی چون تعزیه و به موازات آن، ظهور نگاره های و نقاشیهایی از وقایع زندگی ایشان، سبب تذکر بر مومنین را فراهم آورند.

شاید بتوان گفت ظهور نقاشی مذهبی نسبت به سایر گونه های هنری در ایران از قدمت کمتری برخوردار است اما شواهدی در دست است که از اولین آثار نگارگری، شمایل حضرت رسول اکرم (ص) و سپس حضرت امیرالمومنین (ع) در کتب مختلفی چون جامع التواریخ و سپس معراج نامه و خاوران نامه ترسیم گردیده است. ولی باید در نظر داشت، چنان تصاویری با مفهوم امروزین ما از شمایل نگاری تا حدودی متفاوت است.

با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران دوره صفوی و ارج نهادن به متون مذهبی چون روضه الشهدای واعظ کاشفی[1] به منظور ایجاد زمینه مستعد جهت تبلیغ و آشنایی با سرنوشت بزرگان دین، آثار هنری چندی پیرامون زندگی این بزرگان شکل گرفت.

در این میان حماسه عاشورا به عنوان محوری معنوی وقایع تاریخ شیعه به شدت مورد توجه قرار گرفت. شهادت قهرمانانه و مظلومانه امام سوم (ع) و جمع یاران باوفایشان که همواره چون جریانی خروشان و جوشان آحاد جامعه را به حرکت و جوشش وامیداشت، باعث گردید شیوه های مختلف سوگواری در آن دوران اوج گیرد و همراهی جمیع هنرها در بیان این واقعه باعث ایجاد مجموعه ای مختلف و متنوع از هنرهای گوناگون گردد.

همانگونه که شعرای بسیاری در رثای واقعه عاشورا و مدح صفات یک یک قهرمانان آن به مرثیه و مدیحه سرایی پرداختند و موسیقیدانان در مقامات و دستگاههای مختلف موسیقی نغمات زیبا و حزینی برای بیان حال خویش در نسبت با واقعه عاشورا، ابداع کردند، نقاشان و نگارگران نیز با گرایش به مضامین شیعی آثاری گوناگون را به رقم تصویر درآوردند. باید اذعان نمود که شمایل نگاری به مفهوم امروزین، دوران اوج خود را در قرن سیزدهم هجری و در عصر قاجار، هم از نظر تنوع و هم به لحاظ وسعت طی نمود.

گسترش و عمومیت یافتن متون و مضامین ادبی منظوم و منثور از جمله مقاتل و نسخ موجود باعث پدید آمدن روایات تصویری از این دست آثار گردید. در این مورد می توان به تصویرسازی کتبی همچون روضه الشهداء اثر واعظ کاشفی و مقتل الحسین اثر لامعی چلبی اشاره نمود.[2]

علاوه بر تاثیر متون ادبی مکتوب، اثر روایت راویان و نقل نقالان نیز در ایجاد پرده های نقاشی مذهبی موثر افتاد.

نمایشهای تعزیه نیز در ایجاد نقاشیهای مذهبی و خصوصاً نقاشیهایی با مضمون واقعه عاشورا تاثیر نهاد و در نهایت مجموعه عوامل موجب ایجاد هنری مستقل با ویژگیهای هنری و معنوی خاص خود گردید که به نقاشی قهوه خانه ای و یا شیوه نقاشی خیالی نگاری موسوم شد. این نوع نقاشی را می توان کوشش جدیدی در هنر نقاشی اسلامی ایران به حساب آورد.

خصوصاً شمایل نگاری در این هنر ظهور پدیده ای خاص بود که آثاری به عرصه تصویری اسلام و ایران عرضه کرد که دارای مشخصاتی در نوع خود بی نظیر است. نقاشی مذهبی بر اساس انواع، شیوه کار و مضامین گونه های مختلفی را در برمی گیرد که هر کدام دارای حیطه های متنوعی است. نقاشی بر اساس انواع را می توان به نقاشی قهوه خانه ای، پرده درویشی و پرده تعزیه، نقاشی کتاب، نقاشی پشت شیشه، نقاشی دیواری ونقاشی بر روی پارچه تقسیم نمود و با توجه به کاربرد هر یک از این انواع اسلوب و شیوه های کار نیز متناسب با آن شکل می گیرد. نقاشیهای با اسلوب مختلفی چون نقاشی روی بوم، نقاشی روی کاشی، نقاشی روی گچ، نقاشی پشت شیشه، نقاشی به شیوه چاپ سنگی و ... انجام می پذیرد.

مضامین نقاشی مذهبی نیز عمدتاً بر محور وقایع تاریخ اسلامی و شیعه و ذکر وقایع و احوالات

۱- در نیمه دوم سده نهم هجری اثری از«ملاحسین واعظ کاشفی» (متوفی ۹۱۰ هـ) که خود فقیه و صوفی نقش بندی بود . در ذکر مصائب پیامبروامامان شیعه بنام «روضه الشهداء»تالیف گردید.

۲- در کتاب «تعزیه نربومی پیشرو ا یرا ن » تا لیف « پیتر چلکوفسکی»اشاره ای به وجود آثارنگارگری در متون مذکور همراه با تعدادومحل نگهداری این آثار شده است.ر. ک، پیتر چلکوفسکی، تعزیه هنر بومی پیشروایران،ترجمه‌داودحاتمی، ناشر، علمی و فرهنگی،۱۳۶۷.

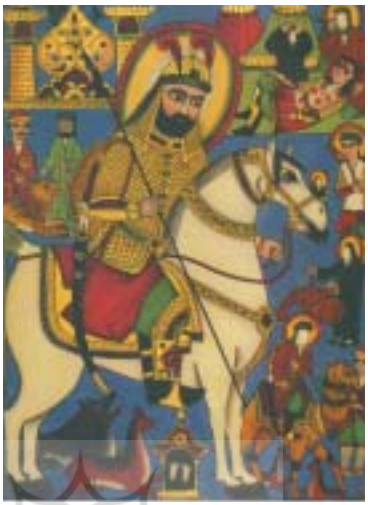

تصویر ۱- شمایل حضرت ابوالفضل (ع) رنگ روغن روی شیشه ، ۴۲×۳۰ سانتیمتر ، بدون رقم و تاریخ ، مجموعه خصوصی

و مصائب پیرامون زندگی ائمه معصومین (ع) شکل می گیرد. مضامینی مانند زندگی و جنگهای حضرت علی (ع)، شمایل پنج تن، شمایل حضرت علی (ع) و حسنین (ع)، زندگی امام حسین (ع) و وقایع عاشورا و زندگی سایر امامان معصوم (ع) از جمله موضوعات دائمی نقاشان مذهبی بوده است.

ویژگیهای شمایل حضرت ابوالفضل (ع)

در میان شخصیتهای مختلف و مضامین مذهبی همواره افرادی وجود داشته اند که به دلیل اهمیت و ارادت شیعیان مورد توجه و احترام خاص بوده اند. از جمله مهمترین ایشان می توان به حضرت ابوالفضل العباس (ع) برادر کوچکتر امام حسین (ع) اشاره نمود. ایشان به واسطه رشادت و فداکاری و وفاداری به برادر بزرگترشان ونیز دارا بودن صفاتی چون، جوانمردی، دلاوری، ادب و تواضع همواره از منظر خاص و عام ستوده شده و محبوب دلهای مؤمنین هستند. ماجرای رشادت ایشان در واقعه عظیم عاشورا، که در راه دفاع از دین حق و امام، ولی و برادر خویش، دو دست ودو چشم و سرانجام پیکر خویش را فدا نمودند و با وجود دسترسی به آب از سیراب کردن خویش چشم پوشیدند، تاثیر فراوانی در قلوب همگان از جمله هنرمندان نهاد و عاملی در جهت سرودن اشعار حماسی و رثایی و نیز ترسیم نقاشی های گوناگون از ایشان گردید. از سوی دیگر ایشان علاوه بر رشادت و فتوت و مروت اخلاقی، از چهره ای بسیار زیبا نیز بهره مند بودند، به گونه ای که یکی از القاب ایشان قمر بنی هاشم است.

زیبایی و تابناکی چهره ایشان به ماه تشبیه گردیده که به واسطه جمیع این صفات همواره مرکز توجه هنرمندان عرصه های مختلف بوده اند. از سوی دیگر به جهت اینکه ایشان در مرتبه امامت قرار ندارند، هنرمندان صورتگر چندان منعی برای ترسیم شمایل ایشان احساس ننموده و غالباً شمایل ایشان را ترسیم نموده اند.

در نقاشیهای قهوه خانه ای همواره بخشی از زندگی حضرت عباس (ع) ترسیم گردیده است که در ارتباط با وقایع عاشورا بوده است. ایشان پس از حضرت سیدالشهدا (ع) مهمترین شخصیت واقعه عاشورا در میان شهدای کربلا به شمار می روند. فداکاری و رشادت ایشان در واقعه آب آوردن برای طفلان اهل بیت امام (ع)، نبرد دلیرانه ایشان در کنار

تصویر۲- شمایل حضرت ابوالفضل(ع) ،نقاشی روی کاشی،۷۰×۶۰ س.م بدون رقم ، منسوب به حاج محمد باقر کاشی نگار شیرازی، بدون تاریخ منسوب به سال ۱۳۱۰ هـ.ش ، قسمتی از سر در امامزاده شاهزاده غریب ، شیراز

نهر علقمه، رد تقاضای دشمن در دست کشیدن از یاری امام حسین (ع) و نبردهای ایشان به عنوان علمدار کربلا با جمع اشقیاء همواره دستمایه هنرمندان برای ترسیم ایشان بوده است. پیکر و شمایل حضرت ابوالفضل (ع)، اساساً موضوع خاص مجموعه از آثار پشت شیشه با عنوان سقای کربلا بوده است. آثاری که زمانی به صورت حمایل بر گردن دراویش دوره گرد آویخته می شد تا درکوی و برزن و شهر و روستا ضمن ذکر وقایع کربلا و رشادتهای قهرمانان سبب تذکر و الفت قلبی مردم با ایشان گردد و از آن جهت در پشت شیشه ترسیم می گردیدتا مردم بتوانند به راحتی بر روی شمایل ها دست بکشند و آنها را مسح کنند (تصویر۱). مضمون سقای کربلا بصورت نقاشی روی کاشی نیز بر سر در سقاخانه ها نصب می گردید تا مردم با دیدن شمایل ایشان با یاد تشنگی اولیای حق آب نوشیده و از ذکر نام امام حسین (ع) غافل نباشند (تصویر۲).

مضمون دیگری که حضرت عباس (ع) را در آن ترسیم می نمایند. صحنه های نبرد ایشان با جمع اشقیاء است که در آن با حالاتی آرام و مطمئن و با پیکری ستبر و تنومند و افراشته پیکر دشمن را با ضربت شمشیر به دو نیم کرده اند (تصویر ۳). اینگونه آثار که در ابعاد

تصویر ۳- نبرد حضرت ابوالفضل (ع) با ماردابن سدیف ،قسمتی از یک پرده درویشی ، رنگ روغن روی بوم ، ۱۸۰ ×۳۷۶ سانتیمتر ،اثر حسین همدانی ، ۱۳۳۸ هـ . ش مجموعه رضا عباسی

بسیار بزرگ ترسیم گردیده اند با نام پرده درویشی خوانده می شوند. زیرا در ایام سوگواری این پرده ها در مقابل مردم گشوده شده و دراویش از روی آن به ذکر مصیبت می پرداختند. نکته مهم در پرده درویشی ها این است که مضمون عمده و مجلس اصلی را نبرد حضرت ابوالفضل العباس (ع) با ماردابن سدیف تشکیل می دهد.

در بررسی شمایل ایشان نکته مهم، مطالعه و بررسی شمایل از جنبه هایی نظیر طراحی و رنگ آمیزی و سایر کیفیت های بصری است که از این

تصویر۴- مصیبت کربلا ، رنگ روغن روی بوم، ۹۴×۱۲۸ سانتیمتر، بدون رقم منسوب به سید عرب ، بدون تاریخ مجموعه موزه رضا عباسی

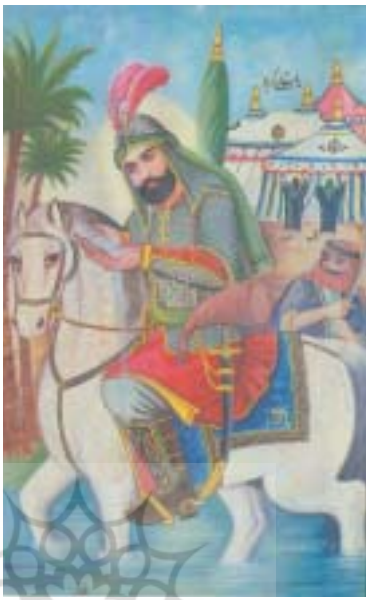

تصویر۵- مصیبت کربلا،رنگ و روغن روی بوم،۶۷×۱۰۲ سانتیمتر ، اثر حسین قوللر آقاسی ، بدون تاریخ ، موزه رضا عباسی

رهگذر می توان به قواعد و اصولی که نقاش قهوه خانه ای به تبع آن شیوه خاص خود را ابداع کرده است و به شناخت و بیان هنری ویژه ای در این آثار رسیده است، دست یافت.

طراحی

باید توجه نمود که در طراحی پیکر و شمایل اولیاء همواره در شیوه نقاشی قهوه خانه ای یک اصل مهم مورد توجه و رعایت قرار می گیرد و آن شباهت عمومی اولیاء با یکدیگر است. بدین معنی که مجموعه امامان و اولیای حق همواره در طراحی چهره و اندام و حالت شبیه به یکدیگر طراحی می گردند. این امر باعث می شود اتحاد روحی و همبستگی درونی ایشان آشکار شود. از طرف دیگر هنرمندان با استفاده از تغییرات جزئی و نامحسوس در حالات و تناسبات و خصوصاً تغییراتی در البسه و ابزار ایشان سعی در بازنمایی و تمایز شخصیتهای مختلف پرده از یکدیگر می نمایند (تصویر٤).

به لحاظ تناسب پیکر اولیاء به صورت افرادی با قامت متوسط و اندامهایی موزون و تا حدودی تنومند، بدون چاقی یا لاغری افراطی نمایان داده شده اند. عواملی مانند سستی عضلات و خمیدگی قامت به عنوان نمایش کهولت در آنان دیده نمی شود و به جز وجود یا عدم وجود محاسن که نشان از نوجوانی یا بزرگسالی ایشان است، تفاوت دیگری در قامت واندام و دیگر نشانه های ظاهری ایشان وجود ندارد.

در طراحی حالات و حرکات نیز وجه اساسی و مشترک در بین اولیاء ایجاد حالت آرامش و متانت و طمأنینه و تلفیق با حالت صلابت و استحکام در پیکرهاست. پیکر حضرت ابوالفضل العباس (ع) غالباً سوار بر اسب ترسیم گردیده است و البته در مواردی نیز در حالتهای ایستاده به ادب در مقابل برادر خویش حضرت امام حسین (ع) قرار گرفته اند که در مجموعه حالات از زوایه سه رخ ترسیم گردیده اند. در صحنه های حمله بر دشمن و یا حالاتی که با اسب درون نهر علقمه ایستاده اند (تصاویر ٥ و ٦) بسیار محکم و بدون تزلزل و بدون هیجان و التهاب ظاهری بر اسب نشسته اند. همواره لباس رزم بر تن داشته و گاهی از مشخصه هایی مانند پرچم و علم در دست و نیز مشک آب که بر گردن آویخته اند، استفاده شده است.

در طراحی چهره نیز اغلب، صورت ایشان گرد و از زاویه سه رخ و با چشمانی درشت طراحی شده است و شباهتی عمومی بین چهره ایشان و سایر اولیاء وجود دارد.

چشمان ایشان غالباً در حالتی است که مردمک آن تا حدودی به زیر پلک بالا رفته و حالتی از آرامش و نرمی نگاه را القاء می سازد. ابروان نیز به شکل هلال و منحنی، با فاصله متناسب از چشم با سایه ای خفیف به چشمان مرتبط می شوند. بینی باریک و لبها کوچک و همواره بصورت بسته، همراه با لبخندی محو بر چهره طراحی می شود (تصویر۷) اثری از نمایش خطوط عضلات در چهره که نشانی از حالات روحی داشته باشد دیده نمی شود. چهره سایر اولیاء نیز به همین صورت طراحی می شود و حالت نگاهها به گونه ای است که گویی از گستره درون پرده فراتر رفته که یا به بیننده می نگرند و یا به افقی دور نظر دارند. محاسن غالباً سیاه و آراسته و منظم با ترکیبی مدور به شکل هاله ای نرم و تیره پایین چهره را می پوشاند.

شباهت چهره حضرت عباس (ع) با سایر چهره اولیاء نشانه اینست که توجه به خصوصیات و

تصویر ۶- مصیبت کربلا ، قسمتی از یک نقاشی قهوه خانه ای، رنگ و روغن روی بوم ، ۱۸۱×۲۱۱ سانتیمتر، اثر محمد مدبر، ۱۳۲۵ هـ ش، مجموعه موزه رضا عباسی

ویژگیهای فردی و ظاهری اشخاص در ترسیم شمایل برای نقاشی قهوه خانه ای در مرتبه اول اهمیت قرار ندارد، بلکه مهم نمایش مقام و مرتبه معنوی اولیاء از طریق نقاشی چهره است. از اینرو خطوط نمایش عضلات چهره و اندام حتی المقدور ساده و یا حذف شده است و تفاوت در سن و سال و شان و مرتبه هر یک از ایشان بیشتر بر اساس تفاوت در البسه و سربندها و محاسن آشکار می شود. اگرچه تفاوتهای جزئی در شمایل و چهره حضرت ابوالفضل (ع) بسته به موضوع اثر دیده می شود به عنوان مثال در موضوعاتی که ماجرای آن آوردن آب از نهر علقمه بنا به تقاضای حضرت سکینه (س) و سایر طفلان حرم است، حالت لبخند در چهره ایشان محو شده است و به صورتی نامحسوس اثری از حزن در آن دیده می شود. القای این حالت با مهارت تمام بدون اینکه هنرمندان برای بیان آن از انقباض عضلات چهره بهره گیرند صورت گرفته است، گویی احوال درونی هنرمند به حدی متاثر از این واقعه بوده که در اثرش نیز تأثیر نهاده است.

مشابه این حالت در هنگامی که حضرت عباس (ع) جرعه ای از آب را در کف دست گرفته اند نیز دیده می شود، گویی یاد لبان تشنه اهل حرم و امام (ع) ایشان را متاثر ساخته است (تصویر۵) اما برخلاف آن در حالات نبرد و میدان معرکه و اوج درگیری و قرار گرفتن در محاصره دشمن، عزم و اراده مصمم به همراه حالتی از رضا و آرامش در چهره بیشتر تجلی می کند گویا تداعی نبردهای دلیرانه پدر بزرگوارشان را در این حالت می نمایند و خود حضرت ابوالفضل (ع) نیز مصداق این شعر مولانا درباره حضرت امیرالمومنین علی (ع) می گردند که می گوید:

گفت من تیغ از پی حق میزنم
بنده حقم نه مامور تنم
شیر حقم نیستم شیر هوا
عقل من بر دین من باشد گوا

تصویر ۷ –مصیبت کربلا ، قسمتی از یک نقاشی قهوه خانه ای ، رنگ و روغن روی بوم ۱۲۹× ۱۸۸ سانتیمتر منسوب به محمد مدبر ،بدون تاریخ ، مجموعه موزه رضا عباسی

همانطور که پیشتر اشاره شد، لباسها و سربندها و ابزارآلات نیز از وجوه مهم و تعیین کننده مقام و مرتبه و همچنین حالت و موقعیت اولیاء است. به طور مثال لباس حضرت عباس (ع) همواره لباس رزم است (تصویر ۵و۷) که عبارت از یک کلاهخود فلزی است که بدور آن سربندی سبز رنگ بسته شده و جوانب آن به گونه ای آویخته شده است که اطراف چهره را در برگرفته است.

بر نوک کلاهخود گاهی پرهایی به رنگ سبز یا سفید و یا سرخ که به صورت جفت قرار گرفته اند. دیده می شود. لباسها نیز به صورت قبایی کوتاه تا سر زانو است که بر روی آنها زره فلزی پوشیده شده است.

بر روی زره شالی به رنگ سبز به کمر بسته شده که دنباله آن گاهی از جلو آویخته شده است. زیر قبا شلوار گشادی پوشیده شده که درون چکمه قرار گرفته است.

در صحنه های شهادت نیز بر روی زره کفن سفیدی پوشیده شده که همواره تیرآجین است (تصویر ۷) تاکید اینچنین بر پوشیدن لباس رزم اشاره به آمادگی حضرت در دفاع از حریم ولایت و امامت دارد در عین حال اشارت خوبی به نمایش رشادت و جنگاوری ایشان نیز هست.

از ابزار خاص حضرت عباس (ع) به جز سپر و شمشیر می توان از پرچم و مشک آب نام برد که بر دوش و در دست ایشان قرار دارد و هر دو نشان از دو لقب مهم ایشان یعنی «علمدار کربلا» و «سقای کربلا» است.

رنگ آمیزی

پرده های نقاشی قهوه خانه ای به جهت استفاده از ماده رنگ و روغن تفاوت آشکاری را با شیوه های رنگ آمیزی در نگارگری قدیم ایران دارد. از طرفی به جهت تغییر در ابعاد اثر، دقت و حوصله در پرداخت آثار مانند آثار نگارگری قدیم وجود نداشته است و از سوی دیگر از آنجا که ماده رنگ و روغن به علت خشک شدن تدریجی امکان حجم نمایی را در نقاشی پدید می آورد، لذا رنگ ها از بیان قدرتمند وصریح نگاره های ادوار گذشته بی بهره گشته و همچنین از درخشش رنگ آثار گذشته کمتر بهره دارند. خصوصاً

اینکه نقاشان پس از انجام کار، لایه ای روغن جلا بر سطح اثر می زدند که این عمل علاوه بر محافظت آثار باعث بوجود آمدن فام زرد رنگ بر مجموعه رنگها اثر می گردید که به مجموعه رنگی نوعی گرمی و پختگی می بخشید. هنرمندان نقاش در عین اینکه در رنگ آمیزی آثار توجه به نوعی نمادگرایی مشترک داشتند در عین حال، احوال شخصی خود را نیز در آثار دخالت می دادند.

آنچه در رنگ آمیزی نقاشیهای قهوه خانه ای چشمگیر و جالب توجه است، نحوه برخورد نقاشان با شمایل اولیاء است. مسلماً نقاش نسبت به نمادین بودن رنگ در پردازش آنها بی توجه نبوده است و به سبب ارادت قلبی نسبت به ایشان این نمادها را ایجاد نموده است.

در شمایل اولیاء همانگونه که هنرمند تلاش نموده است تا نوعی همشکلی ظاهری در طراحی اعضای چهره ایجاد نماید، به همان صورت رنگ چهره ها و شیوه پرداخت آنها را نیز به روشی مشابه و همسان انجام داده است. رنگ پوست چهره اولیاء سفید و مهتابگون است که روشنی در پیشانی و امتداد بینی بیشتر است تا بدینوسیله سطح فراخ پیشانی وسیعتر و نورانی تر نشان داده شود. خصوصاً زمانی که نقاش محدوده چشم و ابرو را با هاله ای تیره تر به هم مرتبط می سازد، القای نوعی تغییر سطح در مجموعه چشم و ابرو نسبت به پیشانی و بینی می نماید. گونه ها که توسط هاله گرد و تیره رنگ محاسن احاطه شده اند با افزایش سرخی محو شده، نوعی حیات و حرارت به شمایل می بخشند. لبهای کوچک گوشتالود و صورتی رنگ با ترکیب چشم نواز خویش در میان تیرگی محاسن خودنمایی می کنند. بافت روی پوستها هموار و مسطح است و تنها برای پرداخت محاسن به وسیله ضربات قلم بافتهای خطی نرمی بر روی ریشها ایجاد شده است. رنگ پوست گردن و دستها به تبعیت از شمایل، تنها با یکی دو گام اختلاف در تیرگی و روشنی رنگ آمیزی شده است.

نقاش قهوه خانه ای در شیوه رنگ آمیزی خویش فضایی بین سطح و حجم بوجود آورده است. ضمن اینکه اثر ضربات قلم را بوسیله محو کردن نرم و ملایم رنگها در یکدیگر از بین برده است. سیاهی ابروان و چشمان و محاسن، در چهره روشن اولیاء با مهارت نقاشی شده است. در عین اینکه این اعضا از لحاظ رنگی کاملاً مرتبط با رنگهای اطراف خویش هستند، تضاد تیره و روشن دلپذیری را با رنگ پوست ایجاد می نمایند که به روشن تر ونورانی تر شدن شمایل کمک می کند.

در مجموعهٔ این آثار، آنچه فضای چهره و اندام ها را از حجم پردازی مطلق نجات می دهد وجود نوعی قلم گیری در اطراف چهره و پیکره هاست که خصوصاً در آثار حسین قوللر آغاسی بیشتر به کار رفته است(تصویر۵).

به جز چهره، گردن و دستها سایر اندام بوسیله لباس پوشانیده شده است و در طراحی اندامهای بدن چون سر و دستان و بازوان، تنه و پاها، هنرمند مانند طراحی چهره فضای میان سطح و حجم را رعایت کرده است. نکته مهم و قابل توجه در این نوع نقاشی انتخاب منبع نور است که بر اساس موقعیت نور طبیعی انجام نگرفته است. بلکه اولیاء در یک پردهٔ قهوه خانه ای در هر جا و هر موقعیتی که باشند نور از مقابل بر آنها تابیده می شود از اینرو پیکر و اعضای اندام ایشان همواره چون استوانه هایی است که در مرکز روشن و بتدریج در کناره ها تیره تر می شوند. وجود قلم گیری خفیف در کناره و حدود اندام به حالت پرداخت میان سطح و حجم کمک می کند، خصوصاً اینکه هنرمندان در نقاشی پیکر اولیاء از بکارگیری سایه افتان یا به عبارت دیگر انعکاس سایه ایشان بر زمین خودداری می نمایند (تصویر۷).

علاوه بر طراحی و رنگ آمیزی خاص شمایل اولیاء عامل دیگری که به قداست و معصومیت ایشان کمک می نماید، هاله های نورانی بر دور سر ایشان است که اغلب به صورت دوایر یا بیضی های بسته به دور سر اولیاء ترسیم می گردد.[۱]

رنگ هاله ها به جهت القای نور عمدتاً با زرد و نارنجی ترسیم یم گردد که به نوعی رنگ طلایی را تداعی می سازد. حدود خارجی هاله های نور به همراه اشعه های روشنتری که ترکیبی از سفید را نیز به همراه دارند، قلم گیری می شوند.

گاهی هاله های نور به همراه اشعه های طلایی ترسیم می شود که این تشعشع عمدتاً بر گرد سر شخصیتهای محوری در نقاشی، مانند امام (ع)، حضرت عباس (ع) و حضرت علی اکبر(ع) قرار می گیرد. در شیوه رنگ آمیزی هاله ها، هم از شیوه رنگ گذاری پوششی و هم از شیوه رنگ آمیزی شفاف، استفاده شده است.تن پوش و سربند در لباس حضرت عباس (ع) همانگونه که پیشتر اشاره شد، غالباً لباس رزم بوده و به منظور القای جنسیت فلزی در کلاهخود و زره، هنرمندان غالباً در رنگهای آبی، خاکستری وی سبز- خاکستری

۱- هاله در فارسی باستان مظهری از «فره» ایزدی است که به معنای نور الهی و نشانی از تفضل خداوند به پارسایان است «فره» ساحت نوری از وجود انسان است که خداوند آنرا تایید می کند و صورت اوستایی آن «خورنه» است «vardnal»و در فارسی باستان «farnah» خوانده می شود(مددپور،۱۳۷۱).

تصویر ۸- رزم حضرت ابوالفضل (ع) در روز عاشورا ، نقاشی قهوه خانه ای

استفاده نموده اند. دستار دور کلاهخود غالباً سبز رنگ و پرهای روی آن عمدتاً قرمز رنگ است. نکته مهم در طراحی لباس ها به کارگیری تزیین است که هم بر روی البسه و هم بر روی ابزار و ادوات جنگی دیده می شود. نقاش قهوه خانه ای تزیین را جان کار می داند و حتی در پوشش جنگی نیز از تزیین فروگذار نمی کند. بکارگیری تزیین که قدمتی بسیار در تاریخ نقاشی ایران دارد، در عین اینکه سطوح رنگی را از یکنواختی نجات می دهد، از سوی دیگر نیز اشاره به فخر و غنای معنوی اولیاء دارد و باتوجه به اینکه تزیین در جای جای اثر و حتی در البسه اشقیاء نیز دیده می شود. نهایتاً اشاره به زیبایی نهایی هستی و خالق آن است که حتی در باطن وقایع حزن آوری چون حماسه عاشورا چیزی جز زیبایی وجود ندارد .[۱]

بیان هنری

مجموعه جلوه های مختلف در شمایل معصومین (ع) با وجود کاربردهای مختلف دارای یک صورت کل و قاعدهٔ عمومی هستند. از اینرو در بیان هنرمندانه آثار نکات مشترک دیده می شود. نکاتی بسیار بدیع که متاسفانه مطالعه چندانی روی آنها صورت نگرفته است. این دست آثار، از نظر برقراری نسبت قلبی و تاثیر فراوان بر دلها، بی نظیر هستند. مشاهدات باطنی هنرمند و اثر اعتقادات مردمی بر ایشان دو عامل مهم شکل گیری در بیان این آثار است. نقاشان مردمی هم از شنیده ها و هم خوانده ها پیرامون اقوال و احوال اولیای دین تاثیر گرفته اند.

بی تردید در ترسیم شمایل اولیای دین همچون حضرت ابوالفضل (ع) تکیه بر صفات ایشان برای ترسیم صورت و شمایل مهمترین عامل بوده است. در ترکیبات موضوعی و در ترسیم صحنه های نبرد در تقابل میان شمایل ایشان با صورت اشقیاء و افراد شرور این امر بیشتر مشهود است زیرا چهره آرام و مطمئن ایشان که با صلابت بر اسب نشسته اند، در مقابل چهره های ملتهب و هراسان اشقیاء با چشمان از حدقه درآمده و دهانهای باز و پیکرهای بدون تعادل به خوبی نمایشگر روحیات دو طرف معرکه است (تصویر۳و۸) نکته هنرمندانه دیگری که در این ترکیبات دیده می شود، اینست که اولیا از جمله حضرت عباس(ع) همواره در میانه میدان حضور دارند و میاندار معرکه هستند. پیکر ایشان و همچنین اسبهای ایشان غالب بر اشقیاء است و با وجود محاصره دشمن و قصد حمله آنها از پس و پیش و جوانب و اطراف، همچنان محور معرکه ایشان هستند و چون ستاره ای در شب تاریک می درخشند، حضور ایشان غلبه فضای مثبت را نسبت به فضای منفی به شدت افزایش می دهد.

عامل هنرمندانه دیگر شیوه خاص رنگ آمیزی است که کیفیتی نمادین به عنصر رنگ در اینگونه آثار می بخشد. بهره گیری از تقابل دو رنگ سبز و قرمز علاوه بر اینکه وجهی نمادین را پدید می آورد از زمینه ای تاریخی نیز برخوردار است. در شیوه رنگ آمیزی همچنین نکته ظریف دیگری نیز وجود دارد و آن اینست که با وجود حجم پردازی در رنگ آمیزی لباسها، رنگها همانند آثار نگارگری قدیم دارای سطوح و شخصیت رنگی معین هستند و برخلاف آثار کلاسیک اروپایی، در یک سطح خاص تداخل و تاثیر رنگهای مجاور بر یک رنگ دیده نمی شود. این شیوه رنگ آمیزی باعث می گردد، پیکرهای انسانی با کمترین وزن دیده شوند و در نتیجه پیکرها به سوی کیفیتی غیرمادی حرکت می کنند و هاله های رنگی نور نیز به دور سر اولیاء علاوه بر تایید و تاکید بر قداست ایشان به چنین امری

۱-اشاره به فرمایش حضرت زینب(س) در پاسخ طعنه ابن زیاد که با کمال وقاحت از آن حضرت پرسید « کار خدا را با برادرت و اهل بیتش چگونه دیدی؟» و ایشان فرمودند: «ما رایت الا جمیلا» «ندیدم جز زیبایی» علامه مجلسی- بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۱۱۵.

کمک می نماید.

بی تردید همانگونه که بیشتر ذکر شد طراحی خاص حالات و شمایل مهمترین کار نقاشان قهوه خانه ای است و آنچه از شمایل سازی امروزه در اندیشه ایرانی شکل گرفته است مرهون و متاثر از آثار نقاشان بوده است که تاثیر آن در طراحی و رنگ آمیزی شمایل به خوبی مشهود است. چهره اولیاء چونان قرص ماه گرد است و رنگ مهتابگون آن با تشبیه به ماه همخوانی دارد.

در عین حال با وجود ساده نمودن اعضای چهره و رفتن به گوهر چهره، شمایل ایشان بی روح نیست، لبخند محو و با وقار و نگاه عمیق ایشان بیننده اثر را به خود دعوت نموده و حالتی را بوجود می آورد که گفتگویی پنهان بین نظاره گر پرده و چهره و شمایل معصومین پدید می آورد و گویی مرز مادی زمان و مکان به یکباره در هم می ریزد. حالت رضا و تسلیم در برابر تقدیر الهی، در عین حال صلابت و استواری عزم و اراده و جلوه همزمان دو حالت متضاد مظلومیت و رشادت، کار عظیم و عجیبی است که نقاشان این دوره در ترسیم شمایل انجام داده اند. طراحی اعضای صورت بی تاثیر از حالات نفسانی ظاهری و ایجاد چهره ای ملکوتی فارغ از غمها و شادیهای این جهانی، دهانی بسته که در عین اینکه جایگاه حفظ اسرار الهی است اما تبسمی شیرین بر لب دارد، پیشانی فراخ و روشن که حاکی از درایت و فراست است به همراه بینی کشیده و باریک با محاسن تیره که به نرمی هاله صورت را دربر گرفته و به تابناکی و متانت و آرامش چهره ایشان کمک می کند، جملگی از ویژگیهای هنرمندانه شمایل سازی ایندوره است. شباهت چهره اولیاء با یکدیگر و بستگی مقدسشان اشاره به مقصد واحد و عمل متحد ایشان دارد.

جان گرگان و سگان از هم جداست
متحد جانهای مردان خداست

ایجاد چنین تعمدی در نمایش صفات و اعمال ایشان در حالات و سکنات ایشان حتی در صحنه های رزم دیده می شود، دستانی که به اراده حق شمشیر از برای رضای حق می زند (تصاویر ۳و٤و٥).

باید دقت نمود که با وجود رشادت و دلاوریهای معصومین (ع)، نقاشان قهوه خانه ای هرگز شمایل شخصیتی چون حضرت عباس (ع) را به مثابه پهلونی مانند رستم ترسیم نمی نمایند. زیرا از نظر ایشان، افتخار اولیای حق به ایمانشان است و نه زور بازوی

تصویر ۹- شمایل حضرت عیسی(ع) ، کاشی قرن ۶ یا ۷ هـ . ق، استانبول ، ایاصوفیه

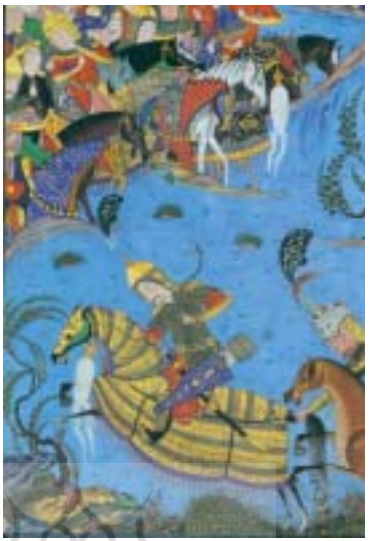

تصویر۱۰ – تصویری از یک جنگجو ، نگارگری ، قسمتی از شاهنامه شاه طهماسب ، قرن دهم هجری

ایشان، از اینرو در تمامی حالات همه چیز نمایشگر مبارزه عاشقی است که محو در حق است و هنرمند با طرح این جلوه های باطنی از طریق صورت ظاهر به مقصد خودش در بیان این معنی دست یافته است.

این شیوه نقاشی در تاریخ هنر دینی موید این مطلب است که هنرمند در ابداع اثر خویش به جانبداری از حقیقتی پرداخته که منبعث از اعتقاداتش است و متاثر از مبانی معنوی جامعه خویش آثارش متقابلاً بر جامعه تاثیر نهاده است. علاوه بر تاثیرپذیری هنرمند از فرهنگ جامعه، عوامل مختلف دیگری نیز بر شیوه شمایل نگاری در نقاشی قهوه خانه ای موثر بوده اند. شاید بتوان مهمترین علت چنین تاثیرپذیری را شکل گیری این آثار در دوره ای خاص عنوان نمود، دوره ای که ایران مرحله گذار از نستهای اصیل هنری خویش را طی می نمود و در برزخ وفاداری به هنر گذشته تا رسمیت یافتن هنر متاثر از غرب این دست آثار پدید آمدند.

از جمله منابع الهام نقاشان این دوره می توان به تعزیه اشاره نمود که خود مجموعه ای از هنرهای نمایشی و موسیقیایی را در برداشت و در عین حال منابع و مضامین آن متاثر از متون مذهبی، مقاتل و روایات بود که حالات روایت گونه آن حتی در اجرای جزئیات پرده های نقاشی چون حالات و حرکات نمادین در افراد و شکل البسه و ابزار و سلاحها موثر بود.

علاوه بر تعزیه تاثیرات هنر اروپایی نیز در اینگونه آثار مشهود است. به جز بکارگیری ماده رنگ روغن که اثر فراوانی بر این شیوه نقاشی نهاد، بحث انگیزترین و مهمترین عامل در مورد تاثیر هنرهای غربی را می توان در پیدایش شمایل و ترسیم چهره معصومین در آثار مذهبی دانست زیرا نقاشان به تأسی از آثار اروپایی به سمت شمایل گرایش یافتند. اما شمایل ایرانی با وجود الهام از شمایلهای مسیحی دارای تفاوتهای عمده ای با آن است.

در شمایلهای مسیحی نوعی پالایش و انضباط هندسی بر صورت و پیکر قدیس حاکم است که باعث می شود تمامی اجزا تابع چنین نظامی در چهره و اندام شکل پذیرد (تصویر۹) مشابه چنین هماهنگی در شمایلهای اسلامی نیز دیده می شود اما تفاوت اساسی در باور پذیرتر و ملموس تر بودن شمایل اولیاء (ع) در فرهنگ اسلامی است که در مقایسه با آنها آثار مسیحی صورتی انتزاعی و تزیینی دارند. تاثیر دیگر را می توان در انتخاب شکل هاله ها دریافت. اگرچه هاله های نورانی دور سر قدیسین مسیحی به نوعی از سنت ایران باستان الهام گرفته شده است، اما این نشانه تقدیس و الوهیت دوباره متاثر از هنر اروپایی در شمایل سازی اسلامی به کار گرفته شده است.

در کنار سنت اروپایی، سنت نگارگری قدیم ایران نیز هم در کل بافت و هم اجزا بر شمایل نگاری اثر نهاده است (تصویر۱۰). یکی از موجبات تشابه بین این دو گونه نقاشی را می توان در تبعیت هر دو شیوه هنری از مضامین ادبی دانست، اگرچه در شیوه نقاشی قهوه خانه ای این تابعیت به مرزهای ادبی مکتوب محدود نمی گردد، اما به هر حال موجب ایجاد ترکیب خاص چه در کل و چه در اجزای اثر می گردد.

در طراحی شکلها و قرار گیری پیکره ها و دید هنرمند از زاویه سه رخ و نیم رخ در سه رخ ایجاد قلم گیری در اطراف پیکره ها و شمایلها، طراحی قرص صورت و اجزای چهره هنرمند قهوه خانه ای کاملاً متاثر از آثار نگارگری قدیم است. حتی در شیوه حجم پردازی و نورپردازی، از این جهت که هنرمند کاملاً تابع اصول کلاسیک عمل نمی کند. آثار به شیوه نگارگری نزدیک می شود و منطق نگارگری قدیم بر این دست آثار نیز حاکم می گردد.

نتیجه

شمایل نگاری خاص اسلامی در آثار خیالی نگاری، حاصل دلبستگی و ارادت هنرمندان به اولیای دین است که بر مبنای باور قلبی و اعتقادات ایشان شکل گرفته است. شمایل سازی در آثار قهوه خانه ای دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که با وجود تاثیر وتاثرات گوناگون از عوامل مختلف دارای صورتی خاص گردید که موجبات تاثیر بر گونه های مختلف نقاشی پس از خود را نیز فراهم آورد.

از جمله شخصیتهای مهم در شمایل نگاری اسلامی، شخصیتهای واقعه عاشورا و در میان ایشان حضرت ابوالفضل العباس (ع) است، که به دلیل داشتن فضایل و خصائل و سیرت و صورت نیکو، همواره الهام بخش هنرمندان خیالی نگار بوده اند. نقاشان در ترسیم چهره و پیکر ایشان به نکاتی چند توجه نمودهٔ اند که عبارتند از:

-شمایل نگاری از ایشان عمدتاً معطوف به حضور ایشان در واقعه عاشورا تا شهادت ایشان می گردد و از سایر وقایع زندگی ایشان تصویر ترسیم نگردیده است.

-ایشان غالباً با لباس رزم و عناصر نمادینی چون مشک و پرچم ترسیم گردیده اند.

-علاوه بر بهره گیری از عناصر نمادین برای پوشش و سربند، استفاده از شیوه خاص پالایش یافته در طراحی چهره و اندام، استفاده از پرداخت و رنگ آمیزی نمادین در ترسیم شمایل از این دست است.

-ماده رنگ عمده در ترسیم شمایل در نقاشی قهوه خانه ای رنگ و روغن است و به دلیل خواص ویژه این ماده رنگ پرداخت چهره و اندام در فضایی میانه سطح و حجم نمایی قرار دارد.

-تاثیر سایر هنرها بر شمایل نگاری ایشان مشهود است: از جمله تاثیر ادبیات، مقاتل مکتوب و منقول پیرامون واقعه عاشورا و شخصیت ایشان، اشعار و مراثی، هنرهایی چون تعزیه و نیز هنرهای تجسمی مانند نگارگری و شمایل نگاری موثر بوده اند.

-هنرمندان در این آثار سعی در انعکاس فضای و صفات متقابله ایشان از جمله رافت، شجاعت، علم و ادب و رشادت در صورت ایشان داشته اند و تا حدود زیادی نیز در این امر موفق شده اند.

-شمایل ایشان و سایر اولیاء در اینگونه آثار همراه با جانبداری از حقیقتی است که اولیاء دین به آن اعتقاد داشته اند.

در خاتمه می توان گفت هنرمند نقاش قهوه خانه ای با مجموعه تاثیر و تاثرات درونی و بیرونی خویش، دفتری در تاریخ هنر ایران گشوده که در آن شیوه شمایل نگاری خاص اسلامی را به یادگار نهاده است.

منابع و مآخذ

چلکوفسکی پیتر ، تعزیه هنر بومی پیشرو ایران ، ترجمه داود حاتمی ، ناشر علمی و فرهنگی، ۱۳٦۷.

سیف ، هادی ، نقاشی روی کاشی،تهران ، سروش، چاپ اول ، ۱۳٦۰.

سیف ،هادی،نقاشی قهوه خانه ای ، تهران ، سازمان میراث فرهنگی،،چاپ سوم، ۱۳٦۹.

سیف ،هادی ، نقاشی پشت شیشه،تهران ، سروش، چاپ اول،۱۳۷۱.

مددپور،محمد ،حکمت معنوی و ساحت هنر ، تهران، حوزه هنری، چاپ اول، ۱۳۷۱.

علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ٤٥.

The book of art,origins of Western art,Volum1,designed by George Rainbird Ltd , London , 1967 .